

سوخت، ارائه اطلاعات غلط و عدم صداقت در بیان مطالب به مردم درباره گران شدن قیمت بنزین، وجود دستگاه کارخوان در دفتر وزیر نفت، ناکارآمدی در انعقاد قراردادها، میادین مشترک گازی و نفتی، اتخاذ تصمیم‌های نادرست در برخی واگذاری‌ها، عدم توجه به توسعه پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و توسعه فرآورده‌های نفتی هم از محورهای استیضاح وزیر نفت بود. هرچند برای هر دوی این استیضاح‌ها نمایندگان خیلی جدی وارد شده بودند اما با گذشت ۲۰ روز از این تصمیم هیچ اتفاق خاصی رخ نداده است، غیر از اینکه وزیران کشور و نفت به کمیسیون‌ها رفته و به این سوالات پاسخ دادند. رئیس جمهوری هم با آرام شدن فضای کشور دستور داد که هیأتی برای بررسی نحوه جبران خسارات شهروندی که در حوادث هفته پایانی آبان ماه دچار آسیب شده‌اند، تشکیل شود. طبق دستور حسن روحانی، این هیأت متشکل از وزیر کشور، دادگستری و معاون حقوقی رئیس جمهوری، موظف شده که ضمن بررسی حقوقی، اجتماعی و اقتصادی موضوع، نحوه جبران خسارات را مشخص و گزارش نهایی را در اسرع وقت به رئیس جمهوری ارائه کند.



اغتشاشات جدا کنند. آنچه رخ داده بود بشدت نگران کننده بود. هیچ آمار رسمی نه از خسارات جانی اعلام شد و نه تلفات مالی را برآورد کرد. اما براساس آنچه در جلسات محرمانه گفته شد، در جریان اعتراضات بنزینی هزار و ۲۰۰ شعبه بانک در سراسر کشور مورد حمله تخریب‌گر قرار گرفته که از این تعداد ۷۸۱ شعبه مربوط به بانک‌های دولتی بوده است. ۳۵ شعبه از فروشگاه‌های «جانپو» و ۸ شعبه فروشگاه «اتکا» نیز مورد حمله و تخریب قرار گرفت. در استان تهران هم به دو فرمانداری، ۲۲ پاسگاه انتظامی، ۳۰ شهرداری، ۲۵ پایگاه بسیج، ۵۶ جایگاه سوخت، ۱۱ اتوبوس، ۳ خودروی امدادی و ۱۵۰ خودروی شخصی حمله شد. هرچند هنوز هم از تعداد بازداشتی‌ها آماری اعلام نشده اما گفته می‌شود ۶۰ درصد بازداشتی‌ها تحصیلات دیپلم و ۱۵ درصد هم زیر دیپلم دارند. ۷۱ درصد آنها مجرد و ۷ درصد هم دارای سابقه کیفری بودند. نزدیک به ۷۰ نفر از بازداشتی‌ها از اتباع بیگانه و عمدتاً کشورهای همسایه بودند که تعدادی از آنها هم دارای سابقه تکفیری هستند.

■ گزارش ششمانی و دستور دلجویی رهبری

هر چند آماری از کشته‌ها و زخمی‌های اعتراضات آبان ماه به‌طور رسمی اعلام نشده بود اما، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گزارشی از این حوادث به رهبری انقلاب خواسته‌های درخور توجهی برای آسیب دیدگان داشت. خواسته‌هایی که با موافقت رهبری هم همراه شد. گزارش علی ششمانی براساس دستوری بود که بلافاصله پس از رخدادهای اخیر از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به دبیر شورای عالی امنیت ملی برای بررسی دقیق ریشه‌ها، عوامل و دلایل بروز ناآرامی‌ها و همچنین رسیدگی سریع به وضعیت جانب‌اختگان و خانواده‌های آنان ابلاغ گردید. در این گزارش پیشنهاد شد که براساس چارچوب‌های قانونی موجود شهروندان عادی که بدون داشتن هیچ گونه نقشی در اعتراضات و اغتشاش‌های اخیر و در میانه درگیری‌ها جان باختند در «حکم شهید» محسوب شده و خانواده‌های آنان تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار بگیرند. همچنین در خصوص قربانیانی که در جریان تظاهرات اعتراضی به هر نحو جان خود را از دست داده‌اند موضوع پرداخت دیه و دلجویی از خانواده‌های آنان پیشنهاد گردید. در مورد آن دسته از قربانیان حوادث اخیر نیز که به‌صورت مسلمانانه و در درگیری با نیروهای حافظ امنیت کشته شده‌اند مقرر گردید پس از بررسی وضعیت و سوابق خانواده آنان، حساب خانواده‌های موجه و آبرومند از فردی که اقدام به عمل مجرمانه نموده جدا شود و خانواده‌های آنان

متناسباً مورد توجه و دلجویی قرار بگیرند. رهبر معظم انقلاب در مورد نحوه مواجهه با خانواده‌های گروه سوم که مشکوک به شراکت بوده‌اند نیز امر بر «رفت اسلامی» و توجه به خانواده‌ها کردند. طبق گزارش دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با توجه به دستور و تأکیدات رهبر معظم انقلاب کار رسیدگی به پرونده‌های تشکیل شده برای جانب‌اختگان و مصدومین رخدادهای اخیر در سطح استان‌ها آغاز شده است.

■ چرا آمار کشته شده‌ها اعلام نمی‌شود؟

حال با گذشت بیش از یک ماه از وقوع این حادثه هنوز هم آماری از کشته شده‌ها اعلام نشده است. پاسخ به چرایی این موضوع در گزارشی از سایت نورنیوز آمده که قابل تأمل است. اینکه آیا آمار رسمی از کشته شدگان حوادث اخیر وجود ندارد یا اگر وجود دارد، دلیل طولانی شدن فرآیند اعلام آن چیست، به تلاش برای تفکیک دقیق چگونگی جانب‌اختن افراد بازمی‌گردد. «آمار دقیق کشته شدگان از زنده‌های مربوطه موجود است، اما عدم اطلاع رسانی درباره آن، از آنجا که نیازمند تفکیک دقیق از حیث چرایی و چگونگی جانب‌اختن افراد بوده، تاکنون به‌طول انجامیده است. به بیان دقیق‌تر: حاکمیت نه تنها نسبت به این موضوع مهم بی تفاوت نبوده، بلکه مصرانه و با جدیت در پی روشن شدن ابعاد مختلف ماجراست تا کمترین حقی از شهروندی که متأسفانه در این قضایا جان خود را از دست داده‌اند و به تبع آن خانواده‌هایشان تضییع نگردد. در همین خصوص؛ می‌توان به نامه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به رهبر انقلاب و کسب تکلیف از ایشان اشاره کرد. در این نامه با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهادات دقیقی مطرح شده بود تا در صورت تأیید، بر آن مبنایان جانب‌اختگان مختلف در رخدادهای اخیر تفکیک صورت گرفته و تکلیف هر یک متناسب با دلیل و نحوه کشته شدن روشن شود. در واقع؛ اگر قرار بود که حاکمیت هیچ‌گونه مسئولیتی را در قبال کشته شدگان نپذیرد، می‌توانست در اقدامی عاجل نسبت به اعلام آمار مربوطه اقدام کند، اما دستور و تأکید رهبری مبنی بر رعایت دقت و رفتار اسلامی در شناسایی و نحوه رسیدگی به موضوع کشته شدگان و خانواده‌های آنها، ضرورت بررسی دقیق وضعیت کشته شدگان را اجتناب‌ناپذیر نموده و طبیعتاً فرآیند کار را طولانی می‌کند. در نامه دبیر شورای عالی امنیت ملی خطاب به رهبر معظم انقلاب، کشته شدگان به چند گروه تفکیک و پیشنهاد شده بود که بنابر چارچوب‌های قانونی موجود (قانون تعیین مصادیق شهید و شهادت)، شهروندان عادی که بدون داشتن هیچ گونه نقشی در اعتراضات و اغتشاش‌های اخیر و در میانه درگیری‌ها جان باختند در «حکم شهید» محسوب شده و خانواده‌های آنان تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار بگیرند. همچنین در خصوص قربانیانی که در جریان تظاهرات اعتراضی به هر شکل جان خود را از دست داده‌اند موضوع پرداخت دیه و دلجویی از خانواده‌های آنان پیشنهاد شده بود. در مورد آن دسته از قربانیان حوادث اخیر نیز که مسلمانانه و در درگیری با نیروهای حافظ امنیت کشته شده‌اند مقرر شد، پس از بررسی وضعیت و سوابق خانواده آنان، حساب خانواده‌های موجه و آبرومند از فردی که اقدام به عمل مجرمانه نموده جدا شود و خانواده‌های آنان به شکل مناسب مورد توجه و دلجویی قرار بگیرند. رهبر معظم انقلاب در مورد نحوه مواجهه با خانواده‌های همین گروه سوم نیز که مشکوک به شراکت بوده‌اند، امر بر «رفت اسلامی» و توجه به خانواده‌ها نمودند. با این تفاسیر و با علم به این مسئله که به هر حال قرار گرفتن نام هر یک از جانب‌اختگان ذیل هر کدام از این بندها، در آینده چه شرایطی را برای خانواده‌های آنان رقم خواهد زد، طبیعی است که روند بررسی چرایی و چگونگی کشته شدن هر یک، نیازمند دقت حداکثری و بررسی موشکافانه همه داده‌ها و اطلاعات میدانی موجود است. به بیان بهتر: قاعدتاً این یک امر بدیهی و ضروری است که بین آنکه قرار است «شهید» محسوب شود یا آنکه در اثر اغتشاش و اقدام مسلمانانه علیه نظم و امنیت عمومی کشته شده است، باید یک مرز بندی دقیق صورت بپذیرد.»

این بار هم همچون دی ماه ۹۶، اعتراضات مردمی پایان یافت. اما فاصله کمتر از دوسالی که بین این دو اعتراض وجود داشته مقدار زیادی نگران کننده است. اقتصاد کشور و معیشت مردم از سال‌های پیش، از زمانی که سایه تحریم بر سر ایران گسترده شد روبه افول گذاشته است. بالا رفتن قیمت بنزین آن هم به میزان سه برابر، معلوم بود که بر آتش فقر مردم ریخته می‌شود و آن را شعله‌ور می‌کند. در این میان به دنبال مقصر گشتن و دولت را علت اصلی گرانی دانستن دردی دوا نمی‌کند. آنچه این روزها همیانی فراتر از به گردن گرفتن افزایش نرخ بنزین دارد، تدبیر برای حل مشکلات اقتصادی مردم است. پرداخت یارانه و کمک هزینه‌های دیگری که از قیال دودنرخ‌های بنزین به حساب ۱۸ میلیون خانوار ایرانی می‌رود، معلوم نیست تا کی بتواند در دفتر راکم کند. سرمایه اجتماعی همان اندک ته‌مانده‌ای هم که داشته، با آتش بنزین دود شد و به هوا رفت. حالا در کنار مشکلات رنگارنگی که مسئولان باید فکری برای حل آن کنند، سرمایه اجتماعی ایرانی‌ها را هم باید اضافه کرد.